

درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده حرمت اهانت به مقدسات
موضوع جزئی: بحث در عنوان قاعده _ واژه‌شناسی
تاریخ: ۱۷ بهمن ۱۳۹۶
مصادف با: ۱۹ جمادی الاول ۱۴۳۹
جلسه: ۱

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

بحث در عنوان قاعده

درباره عنوان این قاعده تعبیرات مختلفی وارد شده است، گاهی به همین تعبیری که عرض کردم از این قاعده یاد می‌کنند، تعبیر دیگر حرمت اهانت به محترمتات فی الدین است، تعبیر سوم هتک حرمت مقدسات و به تعبیر چهارم با این عنوان از آن یاد می‌کنند « حرمة إهانة حرمة الله والاستخفاف بها»، گاهی هم این قاعده با یک قاعده دیگر منضمماً مورد بررسی قرار می‌گیرند و آن هم وجوب تعظیم شعائر است، اینها با اینکه بعضاً باهم ذکر می‌شوند اما دو قاعده مستقل هستند، تعظیم شعائر یک امر است و اهانت به مقدسات و محترمتات یک امر دیگری است.

حال صرف نظر از اینکه ما چه عنوانی را برای این قاعده ذکر کنیم واژه‌شناسی واژه‌هایی که در این تعبیر به کار رفته است در گام اول باید بررسی شود، البته در بحث از واژه‌شناسی شاید به این نتیجه برسیم که از این تعابیر چهارگانه یک تعبیر اولی است چون باید معلوم شود موضوع بحث اهانت به مقدسات است یا محترمتات، چون نسبت بین مقدسات و محترمتات نسبت عام و خاص مطلق است، اگر بخواهیم یک تعبیر عام‌تری را اختیار کنیم باید بگوییم قاعده حرمت اهانت به محترمتات، اگر کلمه فی الدین هم کنار آن قرار دهیم، باز متفاوت می‌شود چون دادن قید فی الدین یک محدودیتی را ایجاد می‌کند، اگر بخواهیم به طور خاص یا خاص‌تر بحث کنیم قهراً تعبیر حرمت اهانت به مقدسات را اختیار می‌کنیم، این از یک زاویه تعیین‌کننده است، از زاویه دیگر این مسئله مهم است که این مقدسات و محترمتات در خصوص مقدسات دین اسلام و محترمتات در دین اسلام می‌خواهند مورد رسیدگی قرار بگیرند، یا مطلق مقدسات ولو در غیر دین اسلام، آنوقت اگر از دایره دین اسلام فراتر رفتیم باید ببینیم آیا مقدسات ادیان الهی مورد نظر است یا مقدسات ادیان غیر الهی مثل بودایی و حتی مقدسات مشرکین را هم در بر می‌گیرد؟ به هر حال این دو زاویه تأثیرش در انتخاب عنوان مهم است که بخشی از آن در واژه‌شناسی دنبال خواهد شد ولی مهم‌تر از این مفاد ادله است، ما باید ببینیم ادله چه اقتضایی دارد، آیا ادله اثبات می‌کند حرمت اهانت به مقدسات را یا حرمت اهانت به محترمتات را این از یک جهت، از جهت دیگر باید دید که مقتضای ادله حرمت اهانت به مطلق مقدسات و محترمتات است ولو فی غیر دین الاسلام، یا این که مقتضای ادله حرمت اهانت به مقدسات و محترمتات در خصوص دین اسلام است، اینها نکاتی است که حتماً ما باید در بررسی ادله به آنها توجه کنیم البته آنچه مشهور است درباره معنای این قاعده حرمت اهانت به مقدسات در محدوده دین اسلام است، اگر یک مقدار هم بخواهیم فراتر قدم برداریم حرمت اهانت به محترمتات در دین

اسلام است، به هر حال اینها جهاتی است که باید مورد توجه قرار بگیرد بخشی از این مسئله را واگذار می‌کنیم به بحث از واژه شناسی و نیز به بحث از مفاد ادله، نهایتاً آنموقع می‌توانیم یک عنوانی را برای این قاعده اختیار کنیم. تاکیداً عرض می‌کنم که ما اینجا فعلاً بحث وجوب تعظیم شعائر را نداریم هرچند ممکن است به برخی از مستندات و ادله این قاعده به مناسبت استدلال کنیم ولی در اینجا فعلاً کاری به این بخش از قاعده نداریم.

واژه‌شناسی

قبل از هر چیز لازم است درباره واژه‌های این قاعده یک مرور اجمالی کنیم.

۱. واژه «حرمت»

معنای حرمت معلوم است، حرمت در اینجا همان حرمت تکلیفی است که به عنوان یکی از احکام خمس می‌شناسیم، معنای آن هم طلب ترک شیئی و یا عدم رضایت به فعل است، به عبارت دیگر حرام چیزی است که اگر کسی آن را انجام دهد عاصی محسوب می‌شود و مستحق عقاب است.

۲. واژه «اهانت»

اهانت در لغت

اهانت مصدر باب افعال و فعل آن هم «أهان، يهين» عبارت است از استخفاف و استحقار، «أهانهُ أَيْ اسْتَخَفَّ بِهِ وَ حَقَّرَهُ وَ عَدَّه ذَلِيلًا» اینکه کسی به دیگری اهانت کند یعنی او را می‌خواهد خفیف و حقیر و ذلیل کند، خوار کردن، ذلیل کردن، حقیر کردن، خفیف کردن، این معنای اهانت است، ریشه آن هم ماده «وهن» است، وهن به معنای سست کردن و ضعیف کردن و در هم شکستن یا از هم پاشیدن و گسسته کردن، این معنایی است که در نوع کتاب‌های لغت ذکر کرده‌اند.

اهانت در اصطلاح

۱. در اصطلاح فقه و اخلاق اهانت عبارت است کردار و گفتار ناشایست که باعث تنزل شخصیت می‌شود، اعم از سخن یا فعل یا اشاره و یا حتی ترک (که خواهیم گفت) که موجب خواری و تحقیر و کوچک نمودن جایگاه و منزلت دیگری بشود.

وسعت مفهومی اهانت از این حیث که هم شامل فعل می‌شود و هم شامل ترک، هم شامل سخن و گفتار می‌شود و هم شامل کردار، و هم شامل تصریح می‌شود و هم شامل اشاره، از معنای لغوی و اصطلاحی آن هم بر می‌آید، درست است که مرتبه خفیف کردن و خوار کردن کسی با یک فعل صریح با مرتبه آن به اشاره متفاوت باشد، این اهانت یک حقیقت و مفهوم مشکک است، یعنی می‌تواند مراتب مختلف داشته باشد، ممکن است یک اهانتی شدید باشد و یک اهانتی ضعیف باشد، با آن جهت کاری نداریم، عمده این است که فعل یا ترک بالاشاره أو بالصراحة، بالقول أو بالعمل، به نوعی تحقیر و تخفیف و خوار و ذلیل کردن دیگری در آن باشد.

۲. در اصطلاح حقوقی: در اصطلاح حقوقی هم تقریباً همین معنا برای اهانت ذکر شده است هرچند حقوق دانان هم در تعریف اهانت عبارات مختلفی بکار برده‌اند:

الف) مثلاً یک تعریف این است: جرمی است که به قول و فعل بدون اخبار و اسناد یعنی نسبت دادن به قصد خوار کردن و تذلیل طرف مقابل صورت می‌گیرد، اهانت از دید حقوقی یک جرم است، همانطور که از دید اخلاقی و فقهی هم گناه است و در یک مواردی شاید کیفر هم داشته باشد، جرمی است که به قول و فعل محقق می‌شود، بدون اخبار و اسناد، قیدی که در این تعریف آمده این است که مسئله اخبار و اسناد در آن نیست، اگر اخبار یا اسناد باشد ممکن است داخل در دایره افتراء یا اتهام، یا قذف و امثال اینها باشد.

قید دوم این است که قصد خوار کردن در آن باشد، یعنی در اهانت طبق این تعریف قصد چه بسا مدخلیت داشته باشد، البته اینکه آیا در اهانت قصد معتبر است یا خیر باید بررسی کنیم، فعلاً در حد اشاره بیان شد چون در این تعریف آمده بود.

ب) تعریف دیگر در مورد اهانت و توهین این است: کاری که متضمن اخبار و اسناد نیست و به نحوی از انحاء در حیثیت متضرر از این جرم وهن وارد کند، در این تعریف هم خصوصیت عدم اخبار و اسناد ذکر شده و مسئله خوار کردن و تذلیل هم در آن آمده است ولی دیگر بحث قذف اینجا مطرح نشده است.

ج) تعریف سوم اینگونه است: هر رفتاری اعم از گفتار و نوشتار و اشاره، اعم از فعل و ترک فعل که به گونه ای موجب وهن شخصیت و حیثیت کسی در نظر افراد متعارف جامعه شود.

تفاوت این تعریف با تعریفهای قبلی معلوم است، مثلاً در اینجا بحث عدم وجود اخبار و اسناد ذکر نشده است، بعلاوه معیار وهن و خفیف و ذلیل شدن را عرف و افراد متعارف جامعه دانسته و اشاره به قصد هم در آن نشده است. اینها جهاتی است که باید در آنها دقت کنیم.

بررسی اعتبار قصد در صدق مفهومی اهانت

آنچه که اجمالاً از نظر صدق مفهومی اهانت (با قطع نظر از حکمی که بر آن بار می‌شود مثل آنچه که در لسان حقوق دانان مطرح شده است) می‌توان گفت این است که یک جنس در تعریف اهانت وجود دارد و آن هم استخفاف و استحقار و ذلیل کردن و کوچک شمردن و سست کردن حیثیت و منزلت شخص است، این جنس در تعریف اهانت است.

نکته‌ای که در اینجا باید ببینیم آیا در صدق مفهومی اعتبار دارد یا خیر مسئله قصد است، به عبارت دیگر آیا اهانت از عناوین قصديه است یا از عناوین قصديه محسوب نمی‌شود؟

تاکید می‌کنم ما کاری به مجازات نداریم، اصلاً ممکن است جایی کسی اهانت کرده باشد ولی این اهانت از کیفر و مجازات استثناء شده باشد چون قصد نداشته است، ممکن است کسی قصد را در ترتب عنوان معصیت و ترتب عقاب و کیفر دخیل بداند، ما کاری فعلاً به حکم نداریم، بلکه می‌خواهیم ببینیم از نظر مفهومی آیا قصد در صدق عنوان اعانه دخیل است یا خیر؟

اینکه درجایی یک عملی را استخفاف به حساب بیاورند و در جایی دیگر استخفاف ندانند این کاری به مسئله قصد ندارد، جایی ممکن است شما قصد هم بکنید، اهانت را هم از عناوین قصديه بدانید اما از دید عرف این اهانت نباشد، نه

به خاطر اینکه قصد ندارید بلکه به خاطر اینکه این را استخفاف نمی‌دانند، فعلاً بحث ما در اعتبار قصد است و اینکه آیا اهانت از عناوین قصدیه محسوب می‌شود یا نه و این با قطع نظر از این است که مسئله استخفاف و استحقار در عرف‌ها و فرهنگ‌های مختلف متفاوت است، چه بسا کسانی باشند که در اهانت قصد را معتبر می‌دانند اما یک عمل و یک سخن و یک رفتاری در بین یک قومی از آن‌ها استخفاف محسوب نشود و در جای دیگر استخفاف محسوب شود، این اختلاف در اینکه آیا این مصداق اهانت است یاخیر دیگر ربطی به مسئله قصد ندارد، اصلاً استخفاف بودن این محل اشکال است، لذا اینکه شما می‌فرمایید در فرهنگ‌های مختلف تفاوت می‌کند نمی‌تواند شاهد بر این باشد که اهانت از عناوین قصدیه است، یا حتی شاهد بر این نمی‌تواند باشد که اهانت از عناوین قصدیه نیست، چون اصلاً ارتباطی از این جهت ندارد.

در اینجا دو نظر ارائه شده برخی معتقد هستند که اهانت یک عنوان قصدی است، برخی می‌فرمایند عنوان قصدی نیست، اگر ما اهانت را یک عنوان قصدی بدانیم قهراً باید قائل به اعتبار قصد باشیم.

مقتضای تحقیق در اعتبار قصد

بحث ما در صدق مفهومی اهانت است، یک ضلع از صدق مفهومی اهانت به نظر عرف بستگی دارد یعنی وقتی ما می‌خواهیم بگوییم این عمل اهانت است یا خیر، قاضی و حاکم و داور در اینکه آیا حقیر شدن و ذلیل شدن و خفیف شدن را به دنبال دارد یا خیر این مسلماً باید در یک ظرفی اتفاق بیفتد، مقصود از اهانت این نیست که من در ذهن خودم صرفاً به دنبال خوار کردن باشم، ممکن است کسی در ذهن خود به دنبال خوار کردن و خفیف کردن باشد اما هیچکس چنین تلقی از فعل و رفتار او نداشته باشد، اسم این را نمی‌توان خفیف شدن و ذلیل شدن گذاشت، خفیف و ذلیل شدن از دید ناظر است، یعنی نزد ناظر بیرونی منزلت و جایگاه شخص پایین بیاید، پس مهم این است که ما این خفت و ذلت و حقارت را در انظار مردم بخواهیم ببینیم، انظار مردم هم گاهی به یک نفر و گاهی به یک جمع محقق می‌شود.

پس اگر از این زاویه بخواهیم نگاه کنیم مدار بر صدق عنوان اهانت حکم ناظرین و دیگران و کوچک کردن این شخص نزد دیگران و حقیر کردن او از دید دیگران است، بر این اساس ممکن است بگوییم مسئله اهانت چه بسا دایر مدار قصد نیست، چون مثلاً فرض کنید کسی بیاید معاذالله قرآن را نجس کند، آیا در اینجا می‌توان گفت که این شخص اهانت کرده است، اصلاً قصد خفیف کردن هم نباشد. با توجه به این نکته اگر ما از منظر دیگران و کسانی که می‌خواهند قضاوت کنند نگاه کنیم این ربطی به قصد ندارد، این فعل و این عمل و این گفتار و رفتار ولو اینکه قصد نداشته باشد اهانت محسوب می‌شود.

اما اگر بخواهیم استناد آن را به فاعل در نظر بگیریم که آیا این شخص اهانت کرد یا خیر، اینجا مشکل است که این را بتوانیم بگوییم، یکوقت ما می‌خواهیم ذات عمل و ذات فعل را با قطع نظر از انتساب آن به فاعل در نظر بگیریم،

می‌گوییم این عمل، عمل وهن آلود و خفیف کننده است یا نیست. این از دید عرف می‌باشد، لذا شما می‌بینید این عمل در یک عرفی ممکن است استخفاف باشد و در یک عرفی ممکن است اسخفاف نباشد.

اما اگر این بخواهیم این عمل را از حیث انتساب آن به فاعل در نظر بگیریم پای قصد وسط می‌آید، پس باید توجه شود که ما یکوقت ذات العمل را مع قطع النظر عن اسناده إلى الفاعل ارزیابی می‌کنیم، این کاری به قصد ندارد، اما یکوقت عمل را با حیث اسناد آن به فاعل مورد توجه و لحاظ قرار می‌دهیم که در اینجا قصد مهم است، لذا اگر شما برای همان کسی که این عمل را توهین آمیز می‌داند وقتی توضیح دهید که این قصد نداشته است و یا نمی‌دانسته که این عمل در اینجا موجب تنزل جایگاه و منزلت این شخص است می‌پذیرند و می‌گویند این اهانت نکرده است، پس ما وقتی می‌خواهیم در اینجا ارزیابی کنیم باید این جهت را در نظر بگیریم.

چون بحث از اهانت است و اهانت در حقیقت یعنی صدور یک فعل و قول با آن وسعتی که در دایره آن ذکر کردیم از یک فاعل، لذا ما در اینجا حیث انتساب و اسناد آن به فاعل را در نظر می‌گیریم، و چون این چنین است باید بگوییم قصد اعتبار دارد، در صدق مفهومی اهانت به این معنا که این عمل استناد به فاعل داده شود. یعنی در این فعل با رعایت حیثیت صدور آن از فاعل قصد معتبر است و دایر مدار قصد است.

قرینه مقابله آن با تعظیم و تکریم و امثال اینها خودش یک شاهی است برای اینکه این هم از عناوین قصیده است. لذا در مجموع می‌توان گفت قصد در اهانت معتبر است، حال اینکه مفاد ادله حکم را روی اهانت ببرند «ولو لم يقصد الخفة و الحقارة و الذلة» آن یک بحث دیگری است، از نظر مفهومی اهانت از مفاهیمی است که قصد در آن دخالت دارد.

اعتبار عدم اخبار و اسناد

اما مسئله عدم اخبار و اسناد که در تعریف حقوقی عمدتاً ذکر شده است (و در تعریفی که در باب اخلاق و فقه وارد شده این جهت بیان نشده است)، این امر چه بسا به این جهت بوده است که تفاوتی بین این کار و مثل افتراء و قذف وجود دارد، چون در آنها اسناد و اخبار است، در غیبت به سوء که یک تقیصه ای را از کسی فاش می‌کند و بیان می‌کند، اسناد و اخبار وجود دارد، شاید وجه ممیز اهانت با آن امور از نظر فصلی همین مسئله اسناد و اخبار باشد، البته این در تعابیر حقوقی آمده و در تعابیر فقهی چنین چیزی ذکر نشده است.

نکته مهمی که وجود دارد این است که از دید مردم و عرف و افراد متعارف جامعه این حقارت و ذلت و کوچک کردن استفاده شود، ممکن است جایی کسی قصد کند، استخفاف و استحقار هم مقصودش باشد، اما عمل یا قولی که می‌گوید و مرتکب می‌شود از دید آن مردم خفت و ذلت نباشد، در اینجا هم اهانت صدق نمی‌کند. مثلاً فرض کنید کسی وارد کشور دیگری شود کاری که در اینجا استخفاف باشد آنجا انجام دهد، اصلاً شاید در آنجا نه تنها استخفاف نباشد بلکه تکریم باشد، این مطلب به هر حال مهم است.

«والحمد لله رب العالمین»